

آذوح: دریاچه ارومیه، بزرگ ترین دریاچه داخلی ایران و دومین دریاچه آبشور دنیا، این روزها چیزی جز نمک زاری بزرگ نیست.

تاسف اولین احساس است وقتی میبینی مردم از ماشین سواری در روی نمک زارهای کویر نمک ارومیه خشکیده لذت میبرند و حسرت، احساس بعدی است وقتی میشنوی اینجا روزی رنگین کمانی از فلامینگوها و پلیکانها بوده و آب تا لب اسکلهایی که تا ۱۲ متر پایه داشته اند بالا میآمده.

«اسماعیل کهرم»، مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در امور محیط

طبیعی، معتقد است که بیش از سه پنجم این دریاچه خشکیده و ارومیه در سرازیری نابودی قرار دارد. این کارشناس محیط زیست تاسف میخورد از اینکه دریاچه «وان» در ترکیه به همان زیبایی که بود در ۷۰ کیلومتری ارومیه باقی مانده و دریاچه ارومیه خشک شده.

او میگوید: ما مورد عبرت ترکیه قرار گرفتیم.» گفت و گوی «قانون» را با مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در ذیل میخوانید:

کمی درباره ارومیه ای که تا چند سال قبل میشناختیم و ارومیه ای که حالا شاهدش هستیم، صحبت کنید. آخرین وضعیت این دریاچه در حال حاضر به کجا رسیده؟

ارومیه بزرگ ترین بدنه آبی کشور ماست که چهارچوب آن کاملاً در ایران قرار گرفته. این دریاچه در روزگاران خوش، ۳۷ میلیارد متر مکعب آب داشت و ۷ میلیارد متر مکعب هم در سال به آن وارد میکردیم که برابر با تجمع آب ۵ سال بارش بود. ۱۶۷ کیلومتر طول داشت و عرض آن به دلیل اعوجاج و کم و زیاد شدن بین ۳۷ تا ۵۴ کیلومتر بود. برخلاف آنچه اکنون مردم فکر میکنند آب ارومیه به راحتی انسان را غرق میکرد. «ایران نژاد» محیط بانی بود که سال ۱۳۵۳ در این دریاچه غرق شد و جسدش هرگز پیدا نشد. توفانهای ارومیه شوخی نبود، موجهای ۱۰ تا ۱۲ متری داشتیم و بارها پیش میآمد که به جزیره کبودان میرفتیم اما نمی توانستیم برگردیم چون خبر میدادند ارومیه متلاطم است. حالا این دریاچه عریان و سراسر پوشیده از نمک شده. الان مردم با ماشین و اتوبوس پایین میروند. بر اساس جدید ترین برآوردها بیش از سه پنجم دریاچه خشکیده و جایی که آب جاری است بیش از یک و نیم متر عمق ندارد، در حالی که زمانی به طور متوسط ۱۳ متر عمق داشت و در برخی نقاط حتی تا ۲۰ متر میرسید. واضح است که هر چه عمق آب کمتر باشد، دما بالا تر رفته و آب باقی مانده زودتر تبخیر میشود و

زودتر از دست می‌رود. اورمیه در حال حاضر در سرازیری از بین رفتن افتاده. ما اورمیه را در یک چنین شرایطی از دولت سابق تحویل گرفتیم. عوامل زیادی در به وجود آمدن این شرایط نقش داشته اند که بخش اعظم آنها نتیجه بیتدبیری دولت بود اما هیچ وقت نمی پذیرفتند.

در مورد اورمیه هیچ مقصر خارجی و طبیعی وجود ندارد و هر آنچه اکنون شاهدیم را خودمان کرده ایم. طبق آمار وزارت نیرو، ۵۰۵ میلیارد متر مکعب آب از طریق رودخانهها دریافت می‌کردیم اما آمدند روی یازده رودخانه اصلی مشروب کننده اورمیه ۴۰ بند سد ساختند در حالی که تمام متخصصان و کارشناسان مخالف بودند. آن همه اعتراض، نتیجه اش این شد که تنها از احداث ۴ سد چشم پوشیدند اما ۳۶ سد دیگر را راه انداختند. وزارت نیرو به هیچ عنوان نمیپذیرفت احداث سدها باعث خشکی این دریاچه شده، اصلا سد را به حساب نمی آوردند و در راه انکار این واقعیت، حتی برخی اساتید دانشگاه را تحت تاثیر قرار داده میدادند و ناگهان میدیدی استادی که در دانشگاه شهید بهشتی تدریس میکند آمده در برنامه تلویزیونی میگوید که این سد ۵ درصد بیشتر در خشک شدن اورمیه تاثیر نداشته. «باراندوزچای» یکی از ۱۱ رودخانههای بود که به اورمیه میریخت و این رودخانه ماشین ۶ سیلندر من را غلطاند اما الان یک قطره آب ندارد. رودخانههای سیمینه رود و زرینه رود جزو پر طغیان ترین رودخانهها بودند که الان آب در آنها مثل یک جوی کوچک جاری است. دریاچه وان ترکیه ۷۰ کیلومتر با اورمیه فاصله دارد. ترکها در یک کنفرانس مطبوعاتی فیلمی از خشکیدگی دریاچه اورمیه را نشان دادند و گفتند اگر مراقب «وان» نباشیم چنین سرنوشتی خواهیم داشت. یعنی ما مورد عبرت قرار گرفتیم.

ما قبل از این با دولتی طرف بودیم که با اعتراض من به عدم پرداخت حق آب اورمیه در یکی از شبکههای تلویزیونی، شب دو نفر از وزارت نیرو به خانه من آمدند و چنان صحبت‌هایی بین ما رد و بدل شد که ناچار گفتم من در این خانه تا به حال کسی را بیرون نکرده‌ام، شما اولین نفر نباشید. وزارت نیرو متوجه نبود، میگفت ما آب نداریم. می‌پرسیدیم اگر آب ندارید پس چرا مرتب سد میسازید؟ مگر سد آب می‌آورد؟ نظر میدادند که نمک اورمیه را جمع کنید و بفروشید، دنیا تشنه نمک ماست، بعد شخم بزنید مرتع بکارید و گوسفند رها کنید. خنده دار است یک چنین کاری را موجب جذب توریست میدانستند. توریست بیاید چه چیز ببیند؟ به جای آن آبی فیروزه ای رنگ، مرتع و گوسفند تماشا کند؟

سهم خشکسالی و برداشتهای غیرمجاز را چه قدر میدانید؟

سهم خشکسالی را بیش از ۱۵ درصد نمیبینم چون دریاچه «وان» در ۷۰ کیلومتری ارومیه هنوز به همان زیبایی و شکوه است. اما از برداشتهای غیر مجاز، مسائل تکاندنهای وجود دارد. یکی همین که آقایان تصور میکردند سد، آب میآورد! میگفتند ما آب نداریم، اما میزان زمینهای بالادست را از ۳۵۰ هزار هکتار به ۷۵۰ هزار هکتار رساندند. ما در شرایط خشکسالی ۲۵۰ میلی متر باران در سال دریافت میکنیم که یک سوم کمتر از دنیا کمتر است. خشکسالی که باشد دریافت بارندگی به ۱۳۰ میلی مترو حتی کمتر میرسد. حال در این شرایط زمینهای زیر کشت را افزایش داده اند. حق آبه یعنی حق آب. حق آب برای دریاچه مانند ارث است برای انسان. ما ارث و حق دریاچه ارومیه را گرفته ایم، شما هم بودید خشک میشدید. کشاورزهای آن اطراف حالا ماشینهای آخرین مدل سوار میشوند، ولی فکر میکنید تا چند سال این خوشی برایشان دوام دارد؟ ۱۰ سال. وضع به جایی میرسد که اینها پول بنزین این ماشین را هم نخواهند داشت. کما اینکه در پریشان فارس، زمانی که ۶ هزار هکتار را چاه زدند، من به استاندار وقت گفتم این کار نتیجه بدی به همراه دارد. با این حال ۸۵۰ حلقه چاه زدند و ۵۵۰ حلقه نیز غیرمجاز بود. آب که بیرون میزد از دشت ارژنگ که نگاه میکردی زیبا و رویایی بود اما چه فایده؟ تمام دریاچه ظرف ۲ تا ۵ سال از بین رفت. ارومیه اولویت اول سازمان محیط زیست است. فکر میکنید اولین تغییرات را کی میتوانیم شاهد باشیم؟

ما از دولت جدید درخواست کردیم که حق آبه دریاچه ارومیه را افزایش دهد. ارومیه وقتی خشکید حق آبه اش حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب از ۳۶ سد احداث شده بود اما مسئولان میگفتند ما اگر آب را در هر یک از این رودخانهها بازکنیم کشاورزها پمپ میاندازند و آب میکشند. درست میگفتند اما اینجا کشوری است که با قوه قهریه اداره میشود. کسی در این کشور کمر بند ایمنی نمی بست. جریمه های سنگین بود که موجب فرهنگسازی شد. نباید اجازه بدهیم کشاورزان آب را بردارند. اکنون قرار بر این شده که این حق آبه دو برابر شود و از پشت سدها به ارومیه سرازیر شود. چاه هایمان که همه خشکیده اند. پس با افزایش زمینهای کشاورزی و مصرف آب پشت سدها، کل ۵۰۵ میلیارد متر مکعب آب رودخانهها از ارومیه پس گرفته شده. جالب است، من با کشاورزی صحبت میکردم که حرف مرا نمیفهمید و میگفت زمین من ۵۰۰ متر با دریاچه ارومیه فاصله

دارد. نمی دانست زیر پایش تمام سفره‌های آب زیر زمینی است. تمام این عوامل به انضمام اندکی خشکسالی، دریاچه ارومیه را کشت. اگر تنها خشکسالی رخ داده بود، ارومیه اینطور نمی مرد.

فکر نمی کنید وقتش رسیده باشد که وعده وزیر نیرو عملی شود و سدهای تحمیل شده به ارومیه، خراب شوند؟

مثلی هست که میگوید دیوانه ای سنگی در چاه میاندازد که صد نفر عاقل نمی توانند آن را بیرون بیاورند. متأسفانه برای احداث این سدها بسیار هزینه شده. نمی شود امروز تصمیم گرفت و فردا فروریخت. نمی شود ناگهانی و یکنه تصمیم گرفت. من معتقدم که بله، لازم است برخی از این سدها خراب شود اما اگر کتاب نوشته شود من به این راحتی امضا نمی کنم. حتی چنین کاری نیز باید با تدبیر پیش برود. خراب کردن این سدها بدون مطالعه میشود مثل همان کاری که دولت قبلی انجام میداد، میشود مثل احداثشان. آمریکاییها کتابی نوشتند با نام «چگونه سدهای ناخواسته را جمع کنیم.» و این کار را کردند. سدها را خراب کردند و بتون آن را در ساخت بزرگراههای ۶ میلیون کیلومتری به کار بردند، اما برای ما در حال حاضر چنین شرایطی وجود ندارد. در حال حاضر بنده معتقدم آب را از پشت سد رها کنیم و حق آبه را هم دو برابر کنیم. یک پاییز و زمستان خوب هم که داشته باشیم وضعیت خیلی بهتر خواهد شد. راه دیگری که بسیار بر آن تاکید میکنند تغییر سیستم آبیاری ایران از غرقابی و رها کردن آب، به سیستم آبیاری قطره‌ای یا بارانی و مه پاشی است. در این صورت مصرف آب کشاورزی کاهش یافته و در نتیجه آب دریاچه بیشتر میشود. در ایران ۹۰ درصد آب مصرفی به منظور کشاورزی است. ۴۲۰ میلیارد متر مکعب بارش داریم که ۱۵۰ متر مکعب آن را استفاده میکنیم ۹۳ درصد در کشاورزی، ۴ درصد در صنعت، ۳ درصد هم به منظور آب شرب.

بهتر نبود خیلی وقت پیش، زمانی که فکر بارور کردن ابرها بودیم روی چنین طرحی وقت میگذاشتیم؟

البته در حال حاضر هم خیلی جاها به سیستم قطره ای مجهز شده اما هنوز برای جا انداختن آن بین مردم، به زمان و هزینه نیاز داریم. بارور کردن ابرها هم طرحی غیر ممکن و نمایشی بود که خوشبختانه خیلی کمرنگ شده! افرادی که دنبال چنین طرحی هستند در واقع دنبال نمایش هستند. بارور کردن ابرها چیزی جز برای نمایش نبود در روزهایی که ارومیه از بالا یک نمک زار بزرگ و تاسف

آور شده بود.  
آذوح